گزارش یک

### مدیر مسئول روزنامه جوان:

# مدیریت اشرافی مقابل امریکا سینه سپر نمی‌کند

**نمی‌توان غرق در مادیات و رفاه و زندگی اشرافی بود و بعد جلوی امریکا سینه سپر کرد و مبارزه کرد.**

به گزارش فارس، عبدالله گنجی کارشناس مسائل سیاسی و مدیرمسئول روزنامه جوان، با اشاره به ریشه‌های شکل‌گیری اشرافیت در کشور پس از انقلاب اسلامی و نقش دولت سازندگی در روحیه اشرافی‌گری اظهار داشت: من معتقدم الگویی که آنها اجرا کردند ماحصلش همین رواج اشرافی‌گری بود، از این رو نه آقای هاشمی بلکه هرکس دیگری هم این الگوی لیبرالیستی را به کار می‌گرفت، منتج به این نتیجه می‌شد.

وی درباره تئوریزه کردن این الگوی لیبرالیستی در حوزه اقتصادی خاطرنشان کرد: دولت مستقر بعد از جنگ می‌گفت که ما در زمان طاغوت و در یک پروسه زمانی طولانی عقب افتاده‌ایم اما برای ترمیم این زیرساخت‌ها در مدت کوتاه به این نتیجه رسیدند که باید به سمت مجامع بین‌المللی دست دراز کنند، وقتی شما به بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول برای توسعه دست دراز می‌کنید، متقابلاً آنها هم نسبت به پولی که می‌دهند تأکید دارند که این پول باید در چه راستایی خرج شود. گنجی تصریح کرد: وقتی دولت مستقر به این نکته رسید که این اتفاق در حال رخ دادن است، خود آقای هاشمی له شدن یک عده را در مسیر توسعه اقتصادی جزو الزامات کار می‌دانست، یعنی آن نسل باید زیر چرخ توسعه له می‌شد تا نسل آینده بتواند در این مسیر حرکت کند که البته نسل آینده هم به وضعیت مطلوبی نرسید.

**■ مسئول اشرافی مقابل امریکا سینه سپر نمی‌کند**

گنجی با اشاره به فرمایش حضرت امام درباره جنگ فقر و غنا تصریح کرد: امام فرمود کسانی که بر این باورند رفاه و مبارزه با هم سازگار است، آب در هاون می‌کوبند، یعنی شما نمی‌توانید غرق در مادیات و رفاه و زندگی اشرافی باشید و بعد بخواهید جلوی امریکا سینه سپر کرده و مبارزه کنید. به خاطر همین است که شما می‌بینید کسانی که در صدر و قبل از انقلاب در مسیر مبارزه بوده‌اند الان به صراحت می‌گویند ما با صهیونیست‌ها و امریکا دعوا نداریم. در واقع این مسئله به خاطر این است که آنها به مرحله‌ای رسیده‌اند که انقلابی‌گری با وضعیت مادی آنها دچار تناقض است.

مدیرمسئول روزنامه جوان با اشاره به لزوم شفافیت در درآمد و فضای اقتصادی مسئولان توضیح داد: شما می‌توانید به میزان اموال مسئولان غربی در اینترنت دست پیدا کنید و به طور مثال می‌توانید اموال اوباما یا حقوق ماهانه او را سرچ کنید و نتیجه را ببینید، ما باید این کار را در کشورمان هم انجام دهیم، کسانی که نمی‌توانند خود را با این سیستم وفق دهند یا از قدرت خارج شوند یا خود را وفق بدهند.

گنجی تأکید کرد: متأسفانه یکی از اشتباهات دولت این بود که سرمایه‌داران را وارد دولت کرد و سرمایه‌داری بر سیاست ما سایه انداخت، همانطور که یکی از آسیب‌های دولت بعد از جنگ این بود که مجلس پنجمی که متأثر از آن شکل گرفت اولین مجلس بعد از انقلاب است که پول وارد آن شد، یعنی برای اولین بار پول وارد تبلیغات مجلس پنجم شد و بحث پول دادن و رأی دادن و شام دادن آنجا مطرح شد و این محصول دولت کارگزاران بود که متأسفانه نهادینه هم شد و امروز خیلی جاها در انتخابات این اتفاق تکرار می‌شود.

حمیدرضا نیک‌عهد/ جوان

**■ اشرافی‌گری از دولت کارگزاران کلید خورد**

این فعال سیاسی با اشاره به ریشه‌های اشرافی‌گری در دولت کارگزاران تصریح کرد: این تفکر مال آقای هاشمی و کرباسچی است و خیلی از وزرای فعلی نیز این تفکر را دارند و درباره حقوق‌های نجومی هم اظهار نظر کرده‌اند. آنها معتقدند شما باید به مدیر خود هر چه می‌خواهد بدهید تا برای شما بدود، وقتی آقای کرباسچی به معاون شهردار تهران پاداش‌های کلان می‌دهد هیچ، به همسر معاون شهردار هم یک ماشین تویوتا هدیه می‌کند چراکه همسرش زحمت کشیده است. گنجی درباره مصوبه مجمع تشخیص درباره دارایی مسئولان اظهار داشت: اعتقاد من این است کسانی که می‌خواهند این مسیر را اصلاح کنند، نمی‌توانند از درون وضع موجود باشند، شما نمی‌توانید قانونی تصویب کنید که همچون تیغی خودتان را از بین ببرد. شما وقتی در مجمع تشخیص نشسته و کارشناس و سرمایه‌دار هستید، چنین چیزی را تصویب نمی‌کنید، لذا همان‌طور که رهبر انقلاب گفتند ما برای پاک کردن این شیشه یک دستمال تمیز می‌خواهیم.

وی تأکید کرد: ممکن است در مجمع افراد محافظه‌کاری بوده‌اند یا شاید علت قانع کننده‌ای برای این مصوبه دارند که باید آن را رسانه‌ای کنند. مدیر مسئول روزنامه جوان با تأکید بر اینکه راهی جز این نیست که کسانی که نمی‌توانند دست از اشرافی‌گری بردارند، باید بیرون از دایره قدرت بروند، افزود: اگر ثروت‌شان مشروع است، نباید خجالت بکشند، ما در همین نظام سرمایه‌دارانی داریم که مردم پذیرفته‌اند وضع آنها خوب است و کاری به رانت و دزدی هم ندارند، البته اقتصاد بیمار ما نیز به این مسئله کمک کرده است.

**■ رانت اطلاعات باید جزو فساد اقتصادی به حساب بیاید**

مدیر مسئول روزنامه جوان ادامه داد: من معتقد هستم حقوق ماهانه یک کارمند نمی‌تواند کسی را ثروتمند کند و این رانت اطلاعاتی است که این کار را می‌کند و رانت اطلاعات در کشور ما باید جزو فساد اقتصادی به حساب بیاید، در حالی که نه مذمتی برای آن وجود دارد و نه از نظر قانونی زیر سؤال است، با این اوصاف اگر رانت به عنوان خلاف در نظر گرفته شود، بسیاری از زمینه‌هایی که منجر به اشرافی‌گری می‌شود، از بین می‌رود. وی یادآور شد: در زمان جنگ نیز کسانی بودند که فرهنگ اشرافی‌گری را از همان قبل انقلاب منتقل کردند، در حالی که آنها از اول هم اشتباه به مسیر انقلاب آمدند، رهبر انقلاب در دیدار با آقای شمخانی و اعضای دبیرخانه شورای امنیت ملی فرمودند، باید در مقابل جریان غیرانقلابی درون نظام ایستاد. ایشان می‌گویند، آنها از اول هم بودند، اما انقلابی نبوده‌اند، لذا معلوم است این افراد تأثیرگذارند و مشی آنها انقلابی نبوده است و صرفاً به دنبال رفاه بوده‌اند و خروجی آن این می‌شود که نمی‌خواهند و نمی‌توانند که در مقابل دشمن بایستند.

گنجی درباره مقابله دولت با فساد و فیش‌های نجومی اظهار داشت: به نظر می‌رسد دولت می‌خواهد این مسئله را به جای حل، رفع کند و صرفاً به دنبال عبور از فضای رسانه‌ای موجود است. دولت هرآنچه از دولت قبلی بوده، بحق یا ناحق رسانه‌ای کرده و الان بعد از سه سال نمی‌تواند بگوید که این مربوط به دولت قبل است و باید به این سؤال پاسخ دهد که اگر مربوط به دولت قبل است، حال که تمام مفاسد قبلی را گفته، چرا این مورد را مطرح نکرده و خودش سه سال آن را اجرا کرده است؟!

**■ دولت اراده‌ای برای برخورد با نجومی‌ها ندارد**

وی با تأکید بر اینکه بنا بر روند فعلی معتقدیم دولت در این زمینه برخورد جدی نخواهد کرد و به هر صورت که بتواند اقناع عمومی اعم از واقعی و کاذب را دنبال می‌کند، افزود: نباید منتظر بود که ۱۰۰ نفر از متخلفان عزل شوند و واریزی ۱۰۰ فیش به بیت‌المال را در رسانه‌ها چاپ کنیم و من احساس می‌کنم که ما به این مرحله نخواهیم رسید. گنجی با اشاره به نامه روحانی و تأکید او مبنی بر اینکه ما با کسی عقد اخوت نبسته‌ایم، یادآور شد: اینکه می‌گویند عقد اخوت نبسته‌ایم باید به اقدام برسد و مانند امام عمل کنند. بنابراین مردم شعار و بیانیه و سخنرانی را نمی‌پذیرند و راه جلب اعتماد مردم این است که ۱۰۰ یا ۲۰۰ یا ۹۵۰ نفر به قول رئیس کمیسیون اصل ۹۰ برکنار شوند و حقوق‌ها به بیت‌المال بازگردانده شود و کسانی که از قانون سوءاستفاده کرده‌اند عزل و متخلفان دادگاهی شوند.

این کارشناس مسائل سیاسی یادآور شد: اگر این اقدامات در ارتباط با فیش‌های نجومی از سوی دولت اتفاق نیفتد، دولت همچنان زیر سؤال خواهد بود و این مسئله در انتخابات اثر خود را خواهد گذاشت و دولت هم این را می‌داند که آسیب جدی خواهد دید، حتی نظام ما هم آسیب جدی خواهد دید، لذا شواهد نشان می‌دهد بخشی از کسانی که باید برخورد کنند، خودشان در این پازل هستند و من امید جدی ندارم.

**■ چگونگی برخورد با حلقه فریدون**

وی با اشاره به لزوم برخورد با حلقه فریدون و اظهارات قاضی سراج درباره نقش داشتن برادر رئیس‌جمهور در انتصابات مدیران متخلف، تصریح کرد: اعتقاد من این است که آقای فریدون را باید در دو مسیر جداگانه دید و تحلیل کرد؛ یک فریدون به ماهو فریدون وجود دارد که به معنای سوءاستفاده از برادر و قدرت است، اما بخشی از مأموریتی که آقای فریدون دارد از موضع رئیس‌جمهور به صورت غیررسمی مسائل را دنبال و حل می‌کند. مدیر مسئول روزنامه جوان اضافه کرد: فریدون از موضع شخصی خود نمی‌تواند انتصاب یک رئیس بانک را تعیین کند، بنابراین بخشی از اقدامات آقای فریدون تدابیر رئیس‌جمهور بوده است، آنجا که منفعت شخصی برده، سوءاستفاده کرده و آنجا که در عرصه حاکمیتی نقش ایفا کرده، نمی‌تواند خود او باشد چراکه نظری را ابلاغ کرده است و اینکه فردی برادر خود را دستیار قرار می‌دهد، برای این است که در یک دالان امن برخی کارها را پیش ببرند. گنجی بر همین اساس پیشنهاد کرد: باید دو جور با آقای فریدون برخورد شود، بخشی مبنی بر سوءاستفاده از فضای قدرت و بخش دیگر درباره ابلاغ تدابیر از سوی رئیس‌جمهور.

**■ کرباسچی؛ پرچمدار اشرافی‌گری**

مدیر مسئول روزنامه جوان، کرباسچی را پرچمدار اشرافی‌گری در ذیل دولت اصلاحات توصیف کرد و افزود: پایه‌های اشرافی‌گری و ثروت‌اندوزی مدیران کشور در دوره سازندگی گذاشته شد. وی درباره آینده جریان اشرافی‌گری خاطرنشان کرد: چون رهبر انقلاب در این قضیه حضور فعال دارند و افتخار ما این است که ایشان از این فضا منزه هستند، اگر سیستم‌های نظارتی نظام آلوده نباشند، این مسئله حل می‌شود و در غیر این‌صورت اشرافی‌گری ادامه خواهد داشت.

گنجی با اشاره به ورود سپاه به پرونده مفاسد اقتصادی مدیران متخلف، اظهار داشت: ورود سپاه به این پرونده فراتر از حقوق‌های نجومی است چراکه حقوق‌های نجومی ممکن است سوءاستفاده از قانون باشد و نتوان با آن برخورد حقوقی کرد، اما آنچه سپاه به پرونده‌اش ورود کرد، فساد به‌ماهو فساد است، یعنی فسادی که پول را به حساب کسی بریزند، کلاهبرداری کنند و بدون سود پول را نگه داشته و سپس ۲۲ درصد سود بگیرید. این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه مسئله فیش‌های حقوقی مدیران متخلف دولتی در انتخاب سیاسی مردم در انتخابات مؤثر خواهد بود، افزود: فیش‌های حقوقی برای انتخابات ۹۶ هم می‌تواند برگ برنده دولت باشد و هم می‌تواند دولت را پایین بکشد چراکه دولت در معرض انتخاب جدید مردم است، بنابراین اگر آنها میدان‌دار شوند و مبارزه با فساد را شروع کنند، جایگاه و سرمایه اجتماعی‌شان رشد خواهد کرد و مردم دوباره اقبال نشان می‌دهند، اما اگر خلاف این عمل کنند، رأی مردم طور دیگری خواهد بود.

گنجی با اشاره به نطق خانم فاطمه حسینی در دفاع از خانواده خود از تریبون مجلس یادآور شد: پدر ایشان حدود ۵۸ میلیون ماهانه حقوق می‌گیرد و ایشان حق اولاد و تفریح دریافت می‌کنند و همه این مسائل برملا شد و خدا این رسوایی را ایجاد کرد، آنچه در مجلس اتفاق افتاد یک ضربه جریانی بود. ماجرای آقای صفدرحسینی به اصلاح‌طلبان ضربه زد و خودشان هم در جلسات‌شان می‌گویند این مسئله ضربه بود، اما اقدام دختر وی که به بهانه دیگری تریبون را گرفت و موضوع مرتبط با خانواده خود را مطرح کرد، یک ضربه مضاعف بر اتفاقات قبلی بود و در انتخابات آینده نیز قطعاً تأثیر خود را می‌گذارد.

گزارش ۲ | جعفر تکبیری

### به بهانه روز مبارزه با تروریسم

# ایران؛ بزرگ‌ترین قربانی تروریسم دولتی

**هشتم شهریور برای بسیاری از ایرانیان یادآور واقعه تلخ انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور وقت کشورمان و محمدجواد باهنر نخست‌وزیر کابینه رجایی بود.**

این اتفاق درست در شرایطی افتاد که ایران از یک سو به واسطه پیروزی انقلاب اسلامی در بخش‌های مختلف کشور با ناآرامی‌های مختلفی روبه‌رو بود و از سوی دیگر نیز رژیم بعث عراق با تمام توان و تجهیزات حملات گسترده‌ای را به مناطق جنوب غربی کشورمان آغاز و ایران را وارد یک جنگ تمام‌عیار کرده بود.

این در حالی است که در همان زمان، گروهک منافقین نیز به واسطه اجرای طرح عدم‌کفایت سیاسی ابوالحسن بنی‌صدر از ۳۰ خرداد ماه همان سال شورش مسلحانه خود را اعلام کرده بود تا جمهوری اسلامی با پیچیده‌ترین شرایط امنیتی خود در تمام طول حیاتش مواجه شود؛ شورشی که بر اثر آن هزاران نفر از مردم بی‌گناه کشورمان قربانی سمپادهای منافقین شدند و در طول تیرماه تا اواخر شهریور ماه صدها مورد بمبگذاری در سطح کشور توسط این گروهک تروریستی صورت گرفت که از جمله مهم‌ترین بمبگذاری در حزب جمهوری اسلامی و شهادت شهید بهشتی و ۷۲ تن از یارانش و همچنین بمبگذاری در دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر بود. تمامی این اتفاقات در حال و هوای سال‌های نخستین دهه ۶۰ در حالی روی داد که ایران از آن روز تاکنون همواره به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قربانیان ترور در سطح جهان مطرح بوده است.

**■ طرح فونیکس برای زمینگیر کردن ایران**

حال ایران در حالی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای قربانی ترور در دنیا مطرح می‌شود که نگاهی به اسناد و مدارک موجود، این واقعیت را به اثبات می‌رساند که پشت پرده اکثر این اتفاقات کشورهایی هستند که خود را مدعی مبارزه با ترور و تروریسم در سطح دنیا معرفی می‌کنند.

بر این اساس، امریکا پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در ادامه آن ماجرای تسخیر لانه جاسوسی‌اش در تهران، عملاً تمامی منافع خود در داخل کشور را از دست رفته می‌دید و همین موضوع باعث شده بود از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب دشمنی‌های خود را با نظام جمهوری اسلامی پایه‌گذاری کند؛ دشمنی‌هایی که تا امروز نیز ادامه داشته است.

در همین رابطه سازمان جاسوسی امریکا (سیا) در سال‌های نخست انقلاب با هدف زمینگیر کردن انقلاب اسلامی طرحی محرمانه را به نام فونیکس در داخل ایران به مرحله اجرا درآورد که بر اساس آن قرار بود چهره‌های شاخص نظام ترور شوند و عملاً با حذف مهره‌های نظام، انقلاب را دچار چالش کند. نکته مهم این سناریو در جایی بود که امریکا با برقراری ارتباط با گروه‌های چپ‌گرا در داخل ایران نظیر سازمان مجاهدین خلق که گرایش شدیدی به شوروی سابق داشت و شعارهای تند ضدامپریالیستی نیز سر می‌دادند، عملاً این گروه را به عنوان بازوی اجرای سناریوی فونیکس در داخل ایران قرار داد تا از این طریق بتواند به واسطه مخالفت ظاهری خود با مارکسیست‌ها، خود را از اتهامات در این باره برهاند.

این در حالی است که امروز نزدیکی بیش از پیش منافقین به ایالات متحده و همپیمانانش عملاً می‌تواند مهر تأییدی بر این ادعا بزند که امریکا و منافقین این روابط نزدیک را از سال‌های دور پایه‌گذاری کرده‌اند؛ روابطی که بر اساس آن منافقین توانستند با حمایت‌های اطلاعاتی ایالات‌متحده و رژیم بعث نه تنها در عراق پایگاه راه‌اندازی کنند بلکه با بهره‌گیری از سلاح‌های اهدایی رژیم بعث حملات نظامی علیه ایران را سازماندهی کنند. علاوه بر این در جریان جنگ عراق نیز این گروهک توانست خود و پایگاهش را در پناه نیروهای امریکایی حفظ کند و در ادامه نیز امتیازات مهمی از آنها نظیر خروج نامشان از لیست سازمان‌های تروریستی را دریافت کند.

**■ ایران؛ قربانی بزرگ ترور**

در همین حال باید بار دیگر بر این نکته تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم در دنیا بوده است و هرساله تعدادی از شهروندان کشورمان در عملیات‌های تروریستی که از سوی سرویس‌های جاسوسی بیگانه سازماندهی شده به شهادت می‌رسند. ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان توسط سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی، شهادت تعدادی از شهروندان در انفجارهای تروریستی سیستان و بلوچستان که توسط گروهک جندالشیطان مورد حمایت عربستان سعودی از شرکای منطقه‌ای ایالات‌متحده انجام گرفت، ترور برخی از فرماندهان نظامی ایران و دهها ترور خشن دیگر، همه آن چیزی است که به رغم برملا شدن دست‌های حامیان این جریان، ایالات‌متحده و دولت‌های غربی هیچ‌گاه حاضر به پذیرش آن نیستند، البته باید به این موضوع، ترور خاموش بسیاری از شهروندان ایرانی توسط دولت‌های غربی طی دوران تحریم‌ها را نیز اضافه کرد. این ترور خاموش به تحریم‌های ناجوانمردانه غرب بازمی‌گردد که عملاً انجام تجارت را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرد و باعث ایجاد اخلال در واردات نیازهای اساسی مردم نظیر دارو شد؛ روندی که زمینه‌ساز جانباختن برخی از شهروندان کشور شد.

**■ ایران و گزارش‌های ضدتروریستی**

حال نکته جالب آنجاست که به رغم آنکه شواهد و قرائن زیادی در خصوص قربانیان تروریسم در داخل ایران وجود دارد و همگان نیز بر نقش دستگاه‌های تروریستی مرتبط با غرب در این موضوع آگاهی دارند، اما غربی‌ها و به ویژه امریکایی‌ها تلاش‌های گسترده‌ای را برای تروریست جلوه دادن ایران در سطح جهان آغاز کرده‌اند. بر این اساس، سران ماجراجو و میلیتاریست امریکا هر از گاهی با بهانه قرار دادن موضوعاتی نظیر نقض حقوق‌بشر، حمایت ایران از تروریسم، اخلال ایران در روند صلح خاورمیانه و... تهدیدهایی را علیه ملت ایران مطرح می‌کنند و این روند پس از وقایع ۱۱ سپتامبر که هیمنه و ابهت امریکا در جهان شکسته شد، فاز جدی‌تری به خود گرفت، به نحوی که حتی با نامیدن ایران به عنوان «محور شرارت» در جهان، خواستار خشکانیدن ریشه ملت ایران شدند.

آنها در همین مسیر همه ساله گزارشی را پیرامون وضعیت تروریسم در جهان منتشر می‌کنند که نکته جالب این گزارش‌ها آنجاست که امریکا با چشم بستن به روی جنایات همپیمانان خود در سوریه، یمن، عراق و دیگر کشورها، جمهوری اسلامی ایران را به واسطه حمایت از دولت‌های قانونی که درگیر مبارزه با تروریسم هستند و همچنین گروه‌های مقاومت اسلامی که در صف نخست مبارزه با این پدیده شوم قرار دارند، متهم به حمایت از تروریسم می‌کند.

حال روند تروریسم جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات‌متحده امریکا در حالی است که ایران طی سالیان اخیر بزرگ‌ترین عنصر مقابله با تروریسم غرب‌ساخته در منطقه بوده است؛ تروریسمی که حالا دامنه عملیات‌های خود را فراتر از منطقه برده و کشورهای اروپایی را هدف حملات خود قرار داده است. این در حالی است که در همین مدت محور غربی- عربی در حال حمایت لجستیکی و مالی از گروه‌های تروریستی بود.

## یادداشت

محمد اسماعیلی

# از شورش بانک‌های خارجی علیه برجام تا امان‌نامه

«از مخالفت‌های جمهوریخواهان و وعده دونالد ترامپ به پاره کردن توافق و مخالفت برخی مقامات ایرانی با آن که بگذریم آنچه مسلماً از اهمیت بیشتری برخوردار است این می‌باشد که در پشت این صحنه و جدای از رقابت‌های انتخاباتی امریکا، شورشی بی‌سر و صدا علیه توافق هسته‌ای توسط بانک‌های بین‌المللی در جریان است و این بانک‌ها با ایران همکاری نمی‌کنند» این بخشی از مقاله روز گذشته روزنامه فایننشال تایمز است که در آن به بررسی چرایی علت عدم‌همکاری بانک‌ها با ایران به‌رغم توافق هسته‌ای پرداخته است. این اولین بار نیست که یک رسانه غربی از بی‌بهره بودن برجام برای طرف ایرانی سخن به میان آورده و از مسدود بودن ارتباطات بانکی و مالی بانک‌های کشورمان با بانک‌های اروپایی سخن به میان می‌آورد، آنچنان که تاکنون بارها رسانه‌های مختلف چنین مسئله‌ای را عنوان و برخی از اعضای تیم مذاکره‌کننده کشورمان نیز آن را تصدیق کرده‌اند. اعترافات دیرهنگام اعضای تیم مذاکره‌کننده و سایر مقامات دولتی در حالی است که چالش ایران و امریکا از روز اجرای برجام تاکنون تنها به ارتباطات بانکی بانک‌های ایرانی و اروپایی خلاصه نمی‌شود، آنچنان که عدم‌استفاده ایران از چرخه دلار در معاملات و ارتباطات مالی بین‌المللی، بسته بودن سوئیفت برای طرف ایرانی، مانع‌سازی جهت سفر نکردن تجار و توریست به ایران و عدم‌توانایی ایران جهت دریافت پول‌های حاصل از فروش نفت گوشه‌ای از مشکلات اساسی در دوران پسابرجام بوده که هر کدام به تنهایی برای به بن‌رسیدن یک توافق بین‌المللی مانند برجام کفایت می‌کند.

فایننشال تایمز در حالی از عدم‌تعهد امریکایی‌ها در متن برجام می‌نویسد و از مانع‌تراشی آنها در دوران پسابرجام اینگونه می‌گوید که این مسئله حول محور سؤالی ناراحت‌کننده می‌چرخد، مبنی بر اینکه وزارت دادگستری امریکا چگونه با بانک‌هایی که قصد تعامل با ایران را داشته باشند برخورد خواهد کرد. طی سال‌های اخیر، بانک‌های امریکایی اجازه همکاری با همتایان ایرانی خود را نداشته‌اند. زمانی که آقای کری در سال گذشته توافق هسته‌ای را اعلام کرد، این تحریم‌ها را برنداشت که طرف ایرانی همچنان اصرار دارد بدون پذیرش واقعیت و موانع جدی که در مسیر اجرای برجام توسط غربی‌ها قرار گرفته است، برای دعوت بانک‌ها، سرمایه‌گذاران و تجار سایر کشورها از جیب امریکایی‌ها خرج کرده و به آنها تضمین می‌دهند که برای سرمایه‌گذاری در کشورمان از مقامات ایالات‌متحده تضمین لازم را خواهند گرفت!

برهمین اساس روز پنج‌شنبه وزیر امورخارجه کشورمان در همایش بررسی فرصت‌های اقتصادی مشترک ایران و شیلی اعلام کرد ایران آمادگی دارد برای رفع برخی نگرانی بانک‌های خارجی در زمینه همکاری با ایران از بخش ویژه نظارت بر تحریم‌ها در خزانه‌داری امریکا دریافت کند. اعلان چنین مسئله‌ای از سوی محمدجوادظریف گویای این نکته است که دستگاه سیاست خارجه از عدم‌تمایل بانک‌ها و تجار و سرمایه‌گذاران کشورهای مختلف از همکاری با کشورمان باخبر بوده و تنها راهکار را نه عمل امریکایی‌ها به متن برجام بلکه ارائه تضمین‌های کافی از سوی مقامات این کشور برای ترغیب سایر کشورها جهت مفاهمه با ایران می‌داند؛ مسئله‌ای که تحقق آن بسیار بعید و دور از ذهن به نظر می‌رسد و دولتمردان این مسئله را هم به‌خوبی می‌دانند و به همین دلیل تلاش می‌کنند بدون ارائه مطلوب اطلاعات به جامعه درباره برجام همچنان در مواضع رسمی و غیررسمی دستاوردهای برجام را بی‌شمار عنوان کنند، آنگونه که در یکی از آخرین موضع‌گیری‌ها علی جنتی بیان می‌کند: «مذاکرات برد- برد داشتیم، یعنی نه آنها و نه ما به اهداف کامل خود نرسیدیم. ایران هراسی که راه انداخته بودند برداشته شد و در گذشته یک وزیر نمی‌توانست به خارج از کشور برود اما اکنون استقبالی که از روحانی در فرانسه صورت گرفت بسیار بالاتر از دستاورد برجام است. تحریم بانکی برداشته شد و می‌توانیم به راحتی گشایش اعتبار کنیم و بسیاری از شخصیت‌های ایرانی در تحریم بودند که برداشته شد اما برخی بانک‌ها هنوز مورد تحریم هستند.»

تلاش برای القای موفقیت در داخل توسط دولتمردان در حالی است که فایننشال تایمز در ادامه مقاله مورد اشاره خود به مانع‌تراشی وزارت دادگستری امریکا و محقق نشدن اهداف کشورمان از توافق هسته‌ای اینگونه می‌نویسد: «این مسئله حول محور سؤالی ناراحت‌کننده می‌چرخد مبنی بر اینکه وزارت دادگستری امریکا چگونه با بانک‌هایی که قصد تعامل با ایران را داشته باشند برخورد خواهد کرد. طی سال‌های اخیر، بانک‌های امریکایی اجازه همکاری با همتایان ایرانی خود را نداشته‌اند. زمانی که آقای کری در سال گذشته توافق هسته‌ای را اعلام کرد، این تحریم‌ها را برنداشت.» آنچه در این میان مبرهن است این مسئله است که دولتمردان یازدهم تلاش می‌کنند مانع ارائه اطلاعات و آمار صحیح به جامعه شده و با موضع‌گیری حمایتی از متن و اجرای برجام در تریبون‌های مختلف با تزریق خوشبینی نسبت به امریکا، افکار عمومی را همچنان به این ایده که مذاکره با امریکا مرتفع‌کننده مشکلات داخلی است، امیدوار نگه داشته و به نوعی موفقیت در انتخابات آتی را تضمین کنند چرا که در صورت ناامیدشدن مردم از نتایج مرد، شکست این طیف در انتخابات ۹۶ قطعی است.

## رصد

**■ مبادا در بر همان پاشنه بچرخد!**

کیهان

روزنامه کیهان در شماره روز گذشته خود به موضوع تلاش وزیر نفت برای بستن دهان منتقدان قراردادهای IPC اشاره کرده و در سرمقاله خود نوشته است: «دیروز تقریبا تمامی روزنامه‌های زنجیره‌ای در اقدامی هماهنگ تیترهای درشت صفحه اول خود را به تهدید غلیظ و شدید آقای زنگنه، وزیر محترم نفت علیه منتقدان قراردادهای جدید نفتی - IPC- اختصاص داده بودند. آقای زنگنه منتقدان قراردادهای نفتی را تهدید کرده بود که اگر دست از انتقاد و مخالفت برندارند، علیه آنان دست به افشاگری خواهد زد! و این پرسش را هم بی‌پاسخ گذاشته بودند که مگر - خدای نخواسته - قرار است در قراردادهای جدید نفتی شاهد چه اتفاق غیرقابل توجیه و رخداد فاجعه‌آمیزی باشیم که اعتراض منتقدان به آن برای وزیر محترم نفت نگران‌کننده است و این نگرانی به اندازه‌ای است که منتقدان با تهدید به افشاگری، دعوت به سکوت شده‌اند؟ و کوتاه سخن «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است»؟!

اکنون باید از آقای زنگنه پرسید آیا هیچ‌یک از قراردادهای فاجعه‌آفرین نفتی که در دوران وزارت شما در دولت اصلاحات منعقد گردیده و در پی آن چوب حراج بر - دست‌کم- بخشی از منافع ملی کشورمان زده شده است، قابل انکار است؟! باید به منتقدان حق بدهید نسبت به قراردادهای جدیدی که قرار است باز هم تحت مدیریت شما منعقد شود یا چارچوب آن تعیین شود، نگرانی و دغدغه جدی داشته باشند. سابقه مدیریت قبلی حضرتعالی بر وزارت نفت نشان می‌دهد در حفظ منافع ملی در جریان انعقاد قراردادهای نفتی موفق نبوده‌اید و کسانی از کم‌توجهی شما سودهای کلان به‌جیب زده و در مقابل خسارت‌های بسیار فراوان‌تر به منافع ملی وارد آورده‌اند.»

■■■

**■ لزوم تغییر سیاستگذاری در امریکای لاتین**

وطن امروز

روزنامه وطن‌امروز نیز در مطلبی به سفر وزیر امور خارجه به امریکای لاتین اشاره و از عدم‌توجه دولت یازدهم به کشورهای این منطقه انتقاد کرده است. این روزنامه در مطلب خود نوشته است: «توسعه روابط با کشورهای منطقه امریکای لاتین، در گذشته و حال، مورد تأکید سکاندار نظام اسلامی بوده است. رهبر حکیم انقلاب با عنایت به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشورها و ملت‌های این منطقه، همواره خواستار افزایش ارتباطات و همکاری‌ها با این کشورها در جهت «مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه» بوده‌اند. سیاستگذار اصلی نظام، «افزایش همکاری‌های همه‌جانبه» با دولت‌های انقلابی این منطقه را «تصمیم قطعی جمهوری اسلامی» خوانده‌اند. این در حالی است که هر زمان صحبت از همکاری‌های ضداستکباری شود، دولت «برجام‌خواه» و جریان فکری حامی آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، براساس چارچوب‌های تئوریک غرب شمالی خواستار «ارزش‌زدایی» از سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌شوند و این تلاش را تحت عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» دنبال می‌کنند. از نظر آنها، تلاش دولت‌های غربی برای استقرار نُرم‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه‌داری در سراسر صحنه گیتی مجاز است، اما صحبت از ارزش‌های عدالتخواهانه و اسلامی در سیاست خارجی ایران، ایدئولوژی‌زدگی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی واضح است که جامه‌عمل پوشاندن به این سیاست بین‌المللی نظام و انقلاب اسلامی از خواست و توان دولت حاضر خارج است.